

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه .....	۳
درآمد: اصول حاکم بر قانون اساسی مبتنی بر مقدمه‌ی قانون اساسی .....	۹
بخش اول: انقلاب، همه‌پرسی و تشکیل جمهوری اسلامی .....	
مبحث اول: اعتقاد دیرینه‌ی ملت ایران به حکومت حق و عدل .....	۱۷
مبحث دوم: تحلیل مبانی انقلاب به رهبری مرجع تقلید .....	۱۹
مبحث سوم: تحلیل مبانی همه‌پرسی در تعیین نوع نظام حاکم .....	۳۲
بخش دوم: پایه‌ها، اهداف و راهکارهای دستیابی به اهداف .....	
مبحث اول: ارکان و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران .....	۵۱
مبحث دوم: اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی .....	۵۴
مبحث سوم: راه‌های تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران .....	۸۶
بخش سوم: وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران .....	
مبحث اول: وظایف دینی دولت اسلامی .....	۱۱۷
مبحث دوم: وظایف فرهنگی دولت اسلامی .....	۱۲۱
مبحث سوم: وظایف اقتصادی دولت اسلامی .....	۱۳۷
مبحث چهارم: وظایف سیاسی دولت اسلامی .....	۱۴۸
مبحث پنجم: وظایف امنیتی و قضایی دولت اسلامی .....	۱۶۵
بخش چهارم: ابتدای نظام قانونگذاری بر شریعت اسلام .....	
مبحث اول: ابتدای قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی .....	۱۹۶
مبحث دوم: حکومت اصل چهارم .....	۲۰۵
مبحث سوم: مرجع تشخیص در اصل چهارم .....	۲۰۹
مبحث سوم: مرجع تشخیص در اصل چهارم .....	۲۳۰
مبحث سوم: مرجع تشخیص در اصل چهارم .....	۲۳۷

بخش پنجم: ولایت امر و امامت امت	۲۴۹
مبحث اول: مفهوم‌شناسی	۲۵۲
مبحث دوم: پیشینه‌ی ولایت فقیه	۲۶۲
مبحث سوم: ادله‌ی اثبات ولایت فقیه	۲۷۴
مبحث چهارم: صفات و شرایط لازم برای تصدی ولایت امر و امامت امت	۲۸۰
بخش ششم: مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور	۲۹۱
مبحث اول: نقش مردم در مراحل مختلف حکومت اسلامی	۲۹۴
مبحث دوم: ادله‌ی فقهی اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی	۳۰۴
مبحث سوم: سازوکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور	۳۱۵
مبحث چهارم: چارچوب‌های اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی	۳۱۹
بخش هفتم: شورا و مشورت	۳۲۹
مبحث اول: مفهوم‌شناسی	۳۳۳
مبحث دوم: مبانی و ادله‌ی شورا و مشورت	۳۳۵
مبحث سوم: قلمرو مشورت	۳۴۶
مبحث چهارم: ماهیت حقوقی مشورت در اسلام	۳۵۱
مبحث پنجم: انواع مشورت	۳۶۹
مبحث ششم: ارتباط شوراها و نهاد مشورت	۳۷۶
منابع و مأخذ	۳۹۱
فهرست تفصیلی	۴۱۵

## پیشگفتار

اهمیت و جایگاه شورای نگهبان بر کسی پوشیده نیست و بیان تأکیدات مصرح در قانون اساسی، بیانات امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری مد ظله العالی در خصوص اهمیت و جایگاه این مقام در این مجال اندک نمی‌گنجد.

«پژوهشکده‌ی شورای نگهبان» به‌عنوان بازوی مشورتی حقوقی شورای نگهبان، علاوه‌بر ارائه‌ی نظرهای مشورتی به شورای نگهبان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های مصوب دولت با قانون اساسی، به مطالعات نظری، راهبردی و کاربردی در خصوص موضوعات مختلف حقوق اساسی می‌پردازد. این پژوهشکده که از سال ۱۳۷۶ تا اواسط سال ۱۳۹۲ با عنوان «مرکز تحقیقات شورای نگهبان» فعالیت می‌کرد، در سال ۱۳۹۲ با هدف ارائه‌ی خدمات پژوهشی بیشتر به شورای نگهبان و جامعه‌ی حقوقی کشور، تغییر عنوان و ساختار داد و با عنوان «پژوهشکده‌ی شورای نگهبان» فعالیت‌های جدیدی را آغاز کرد. در این مسیر با استفاده از نیروهای جوان و مستعد دانشگاهی و حوزوی، موضوعات مختلف مورد نیاز جامعه‌ی علمی که مرتبط با صلاحیت‌های شورای نگهبان است و نیز نیازهای پژوهشی شورای نگهبان، شناسایی شد و به‌ترتیب اولویت در دستور کار قرار گرفت که ثمرات آن در قالب مقالات علمی- پژوهشی، گزارش‌های پژوهشی، گزارش‌های کارشناسی و کتاب‌های مختلف به جامعه‌ی علمی و شورای نگهبان تقدیم می‌شود.

کتاب حاضر نیز یکی از ثمرات فعالیت‌های علمی پژوهشکده‌ی شورای نگهبان است که اکنون در منظر جامعه‌ی علمی قرار می‌گیرد. شایسته است که در اینجا از زحمات حضرت استاد آیت‌الله کعبی و تمامی پژوهشگرانی که زحمت تحقیق و نگارش این اثر را برعهده گرفتند، صمیمانه تشکر کرده و از خداوند منان برای آن‌ها توفیق روزافزون طلب کنیم. به‌یقین اگر همکاری نامبردگان و همچنین کوشش عوامل اجرایی از جمله مسئول انتشارات، ویراستار، صفحه‌آرا و همه‌ی عزیزانی که در آماده‌سازی این کتاب سهم داشتند نبود، امروز شاهد به ثمر نشستن این تلاش علمی نبودیم. از همه‌ی ایشان سپاسگزاریم و امیدواریم قرین صحت و توفیق باشند.

با عنایت به مصون بودن محصولات بشری از جمله این تلاش علمی از خطا و اشکال،

از همه‌ی صاحب‌نظران و اندیشمندان تقاضامندیم از ارائه‌ی نظرهای صائب خویش در راستای ارتقای کیفیت این اثر و سایر فعالیت‌های پژوهشکده دریغ نورزند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

پژوهشکده شورای نگهبان

فروردین ۱۳۹۴

## مقدمه

شناخت دقیق و تحلیل مبانی و ابعاد یک نظام سیاسی در حوزه‌های معرفتی مختلف و از دیدگاه‌های گوناگون قابل بررسی است. برای نمونه گاهی جامعه‌شناسان با بهره‌گیری از مبانی و نظریات موجود در علم جامعه‌شناسی، به تحلیل مبانی نظام می‌پردازند و سیاستمداران از اصول علم سیاست برای شناخت پایه‌ها و مبانی نظام سیاسی بهره می‌گیرند. در این میان، این پژوهش به دنبال تحلیل حقوقی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این خصوص می‌توان گفت علم حقوق که بیانگر مجموعه قواعد و دستورهای رفتاری الزام‌آوری است که هدف نهایی آن تحقق حکومت نظم و عدل در روابط اجتماعی است، بخش عمده‌ای از مباحث خود را به تحلیل قواعد و رفتارهای سیاسی موجود میان فرماندهان و فرمانبران اختصاص داده است. گرایش حقوق عمومی و اصلی‌ترین شاخه‌ی آن حقوق اساسی نیز، عهده‌دار تحلیل، بررسی و قالب‌بندی رفتارها و ساختارهای سیاسی موجود در یک نظام حکومتی است.

در راستای مطالعه‌ی تحلیل مبانی نظام سیاسی از مجرای حقوق اساسی، می‌توان از منابع متعددی مانند عرف و عادات سیاسی موجود در یک جامعه، قوانین و اعمال قوه‌ی مجریه، اسناد و مدارکی مانند آرا و نظریات علمای حقوق اساسی و... بهره برد، اما قانون اساسی هر کشور بهترین سند برای شناخت و تحلیل مبانی آن نظام سیاسی به‌شمار می‌رود، چراکه متن قانون اساسی به‌منزله‌ی عالی‌ترین سندی که بیانگر میثاق ملی و مشترک میان همه‌ی افراد ملت است، بیش از همه‌ی منابع ذکرشده نمایشگر مبانی و پایه‌های آن نظام سیاسی است. مطالعه و تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این کلیت مستثنا نیست. از این‌رو در این کتاب به‌منظور تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، به بررسی و شرح اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۸ به تصویب نمایندگان مردم، تأیید امام راحل و پس از آن در همه‌پرسی به تأیید مستقیم مردم نیز رسید و در سال ۱۳۶۸ بازنگری شد، پرداخته می‌شود.

شایان ذکر است از آن‌جا که اصلی‌ترین بنیان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شریعت مقدس اسلام است، دقیق‌ترین تحلیل از پایه‌ها و مبانی نظام سیاسی ایران تحلیل

مبتنی بر کلام و فقه اسلامی و آموزه‌های شریعت این دین الهی خواهد بود. این ضرورت از دو منظر قابل تبیین است:

اول آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران غنی‌ترین تجربه‌ی اجتهادی و بلکه نقطه‌ی عطفی در تحولات فقهی بر پایه‌ی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. در توصیف این ضرورت باید گفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، طرح حکومتی نوین بر ویرانه‌های نظام طاغوتی است که پس از طی سه مرحله‌ی اساسی و مهم، مبنای حکمرانی در نظامی مبتنی بر آموزه‌های دینی قرار گرفت.

رکن اول، پذیرش ملت برای اعمال دستورهای اجتماعی و سیاسی شریعت اسلام در عرصه‌ی زندگی اجتماعی بود. تا زمانی که مردم به اجرای دستورهای اسلام در عرصه‌ی زندگی اجتماعی راضی نباشند، امکان عملی تحقق آرمان‌های اجتماعی و سیاسی شریعت وجود نخواهد داشت. از این رو پذیرش مردم شرط لازم برای اجرای دستورهای اجتماعی و سیاسی اسلام است. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در بیانی خطاب به مردم کوفه ضمن اشاره به توانمندی‌های خود در عرصه‌ی مبارزه با دشمنان دین، از نافرمانی مردم گله‌مند بودند و می‌فرمودند «فرمانده و امیری که به سخنش گوش فرا داده نشود، قدرت تدبیر نخواهد داشت».<sup>۱</sup> از این رو جایگاه مردم و قبول ایشان اولین گام برای تشکیل حکومت و به تبع نگارش متنی به‌عنوان مبانی، پایه‌ها، اهداف، وظایف و دستورالعمل‌های حکمرانی دینی است. رکن دوم اجتهاد فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومان علیهم‌السلام است. بر این اساس، علما و فقهای اسلام‌شناس، مجموعه قواعد و مقرراتی را که در شریعت اسلامی درباره‌ی ماهیت و ساختارهای حکومت، حقوق ملت و رابطه‌ی دولت و ملت ذکر شده است، استخراج کرده و با کمک افراد آگاه از ادبیات جدید حکمرانی، متن قانون اساسی را تنظیم و آماده می‌کنند.

رکن سوم تنفیذ ولی فقیه است که از باب مقام حکومتی، به اجرای قانون اساسی الزام می‌کند، چراکه براساس آموزه‌های دینی هنگامی که امکان تشکیل حکومت برای یکی از فقها ایجاد می‌شود، بر سایر فقها واجب است که از دستورهای حکومتی وی تبعیت کنند.<sup>۲</sup> بر این

۱. «أَلَا رَأَيْتَ لِمَنْ لَأَ يُطَاعُ» (نهج‌البلاغه: خطبه‌ی ۲۷).

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی رحمته‌الله، البیع، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۴.

اساس ولی فقیه اجتهاد سایر فقها و ساختاری را که مبنای حکمرانی تعریف شده است، تأیید و تنفیذ می‌کند و پس از آن، نسبت قانون اساسی به ولی فقیه در عرصه‌ی اجتماعی، نسبت مرجع تقلید با رساله‌ی عملیه‌اش در عرصه‌ی دستورهای فردی خواهد بود. بنابراین همان‌طور که مرجع تقلید مانند مقلدان خود موظف به رعایت احکام مندرج در رساله‌ی عملیه است، ولی فقیه نیز همچون سایر مردم موظف به رعایت ترتیبات مندرج در قانون اساسی خواهد بود. همان‌طور که ممکن است مرجع تقلید فتوایی داشته باشد که در رساله نیامده است و بعد از استفتا از ایشان نظر خود را اعلام می‌کند، ولی فقیه نیز حق دارد تصمیماتی را براساس کلیات مندرج در قانون اساسی اتخاذ کند که در قانون اساسی به‌صراحت از حق وی در این خصوص یاد نشده است.

با توجه به آنکه سه رکن تشکیل حکومت اسلامی و در پی آن نگارش قانون اساسی در طول تاریخ شیعه برای اولین بار در کنار یکدیگر قرار گرفت، می‌توان گفت که نگارش قانون اساسی در یک نظام جدید براساس تعالیم اسلام تجربه‌ای کاملاً بدیع و نو بوده است. شهید سید محمدباقر صدر<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از شخصیت‌های مؤثر در شکل‌گیری قانون اساسی، در این خصوص بیان می‌دارند: «برای اولین بار است که در تاریخ نوین اسلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاشته می‌شود».<sup>۲</sup> از این‌رو تحلیل مبانی فقهی و کلامی قانون اساسی براساس منابع دسته‌ی اول که امری بدیع و بدون سابقه است، ضروری به‌نظر می‌رسد.

دومین علت از علل ضرورت توجه به تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های فقهی و کلامی شیعه، نیاز جامعه‌ی دانشگاهی به چنین پژوهش‌هایی است. در این زمینه می‌توان گفت حقوق اساسی از دروس اصلی در دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی حقوق است. «حقوق اساسی ۱» به کلیاتی همچون مفهوم حقوق اساسی، تعریف دولت-کشور و عناصر سازنده‌ی آن، انواع رژیم‌های سیاسی و قوای حکومتی می‌پردازد، اما در «حقوق اساسی ۲» همین موضوعات در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران با محوریت قانون اساسی

۱. شهید سید محمدباقر صدر، فیلسوف، متفکر و مجاهدی نستوه و یکی از نوایغ فقه شیعه بودند که امام خمینی رحمته‌الله او را «مغز متفکر اسلامی» دانسته و ابراز امیدواری کردند که «کتاب‌های این مرد بزرگ مورد مطالعه‌ی مسلمین قرار گیرد».

۲. «فیصنع لأول مرة في تاريخ الإسلام الحديث دستور الجمهورية الإسلامية» (محمدباقر صدر، الاسلام يقود الحياة موسوعة الشهيد الصدر، ج ۵، قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶).

بحث و بررسی می‌شود. در دوره‌ی دکتری حقوق عمومی نیز درس مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله سرفصل‌های درسی دانشجویان است. با اینکه موضوعات مطرح شده در قانون اساسی بر پایه‌ی معارف مذهب شیعه و فقه اهل بیت علیهم‌السلام نگاشته شده است، آنچه در مجامع دانشگاهی تدریس می‌شود یا به‌طور کلی فارغ از مبانی فقهی و کلامی است یا در حالات معدودی که به این مسائل اشاره شده، مباحث، در نهایت اختصار برگزار می‌شود. درحالی‌که اگر دانشجویان رشته‌ی حقوق از این مبانی مطلع باشند، تحلیل حقوقی صحیح‌تری از قانون اساسی ارائه خواهند کرد. این نوشتار عمدتاً ناظر بر درس مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و در پی تأمین منبعی مناسب برای این درس است.

از سوی دیگر با اینکه بحث‌های اجتهادی حوزه، متن‌محور است، به این معنا که فقها بر مبنای متنی<sup>۱</sup> که از قبل مشخص شده است، مباحث استدلالی خود را مطرح می‌کردند، در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با وجود پشتوانه‌ی طولانی در عرصه‌ی اجرایی و اداره‌ی نظام اسلامی، پژوهشی اجتهادی صورت نگرفته و مبانی فقهی و کلامی آن به‌صورتی که نیاز مذکور را برای جامعه‌ی دانشگاهی تأمین کند، به رشته‌ی تحریر درنیامده است.<sup>۲</sup>

۱. این متون عمدتاً شرایع الاسلام اثر محقق حلی در میان فقهای متقدم و عروة الوثقی اثر آیت الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی در میان فقهای متأخر است.

۲. آنچه این موضوع را با مطالبه‌ی جدی‌تری همراه می‌کند، آن است که این اقدام در دوره‌ای از تاریخ تشیع توسط برخی فقهای امامیه انجام گرفته است. علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء کتاب *مجلة العدلیه* یا *مجلة الاحکام* در دوره‌ی حکومت عثمانی را که برای تدریس در رشته‌ی حقوق دانشکده‌ی حقوق بغداد نگاشته شده بود، تنقیح کرده و آن را بر مبنای فقه امامیه برای دانشجویان رشته‌ی حقوق بازنویسی کردند. انگیزه‌ی نگارش این کتاب آن‌گونه‌که مؤلف بیان کرده است، این بوده که برخی دانشجویان رشته‌ی حقوق از ایشان درخواست کردند تا کتابی مختصر در بیان احوال شخصیه و معاملات مالی به شیوه‌ی فقه شیعه به نگارش درآورند. ایشان می‌گوید با توجه به اینکه کتاب *مجلة العدلیه* یا *مجلة الاحکام* کتاب درسی رشته‌ی حقوق در دانشکده‌های حقوق از زمان حکومت ترکان عثمانی تا امروز بوده، آن را کتابی خوب، مرتب و دارای مطالبی ارزشمند دیدم، ولی با وجود این دارای نقائص، تکرار و مطالب اضافی و نیازمند به بیان مدارک برخی قواعد و فروع یافتم؛ لذا این کتاب را به رشته‌ی تحریر در آوردم. تجربه‌ی مشابه دیگر که البته به شکل کتاب‌های دانشگاهی نبود و به همین دلیل در متن ذکر نشد، شرح امام خمینی رحمته‌الله بر کتاب *وسيلة النجاة* آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی است. ایشان ابواب مربوط به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از کتاب *وسيلة النجاة* را تکمیل و مباحث حکومتی متناسب با دوره‌ی انقلاب را بر پایه‌ی مباحث فقهی به آن اضافه کردند. نتیجه‌ی این کار کتاب *تحریر الوسیله* بود که به‌عنوان پایه‌ای برای قانونگذاری نظام جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته شد تا آن‌جا که برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۰ عیناً ترجمه‌ی متن فقهی *تحریر الوسیله* بود.



براساس آنچه بیان شد، پرداختن به تحلیل مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی مبتنی بر اصول قانون اساسی و بر مبنای آموزه‌های فقه شیعه، موضوعی ضروری به نظر می‌رسد. پس از تبیین ضرورت تحلیل فقهی و کلامی مبانی نظام جمهوری اسلامی، آنچه ضروری به نظر می‌رسد، شیوه و نحوه‌ی تحلیل مبانی نظام مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام و با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی است. به بیان دیگر، برای اجرای این پژوهش باید از چه روشی بهره برد تا تحلیل فقهی و کلامی مبانی قانون اساسی، تحلیلی دقیق و مستند به دستورهای اسلام ناب باشد؟

بهترین مسیر در سیر تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آموزه‌های فقهی و کلامی، بهره‌گیری از آثار دسته‌اول فقه شیعه و آرا و نظریات فقها در خصوص ماهیت و مبانی فقه سیاسی در اندیشه‌ی اسلام است. به بیان دیگر، استخراج مستندات اصول قانون اساسی از منابع اسلامی و به‌خصوص کتاب و سنت با الهام از عقل که در منظومه‌ی معرفت دینی نه تنها مفتاح نیست، بلکه مصباح نیز است،<sup>۱</sup> تحلیلی صحیح و واقع‌بینانه از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را به منصفی ظهور می‌گذارد. فایده‌ی استفاده از این روش در این نکته نهفته است که می‌توان تضییق و توسعه‌ی اصول قانون اساسی و نیز کشف روح حاکم بر اصل مربوطه را ضابطه‌مند و در چارچوب مشخص انجام داد؛ چراکه محدوده‌ی اطلاق و عمومیت اصول مختلف قانون اساسی با عنایت به نص اصل ۴ قانون اساسی باید از منابع فقهی به دست آید.<sup>۲</sup>

پژوهش حاضر نتیجه‌ی سلسله جلساتی است که توسط اینجانب در زمینه‌ی مبانی فقهی و کلامی اصول قانون اساسی در پژوهشکده‌ی شورای نگهبان تشکیل شده و به‌وسیله‌ی جمعی از پژوهشگران این پژوهشکده، تحقیق و مستندسازی شده و به نگارش درآمده است. از این رو از زحمات آقایان محمدرضا اصغری شورستانی (متولی تحقیق و نگارش بخش‌های اول، دوم و پنجم)، مهدی عرفانیان (متولی تحقیق و نگارش بخش سوم)، محسن ابوالحسنی

۱. عبدالله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، قم: اسراء، ص ۵۲.

۲. اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقه‌های شورای نگهبان است.»

(متولی تحقیق و نگارش بخش‌های چهارم، ششم و هفتم)، علی فتاحی زفرقندی (همکاری در تحقیق و نگارش بخش‌های اول و ششم) و علی بهادری جهرمی (مدیر گروه پژوهش) و سایر عزیزانی که در آماده‌سازی این اثر به‌نحوی همکاری داشتند، به‌ویژه آقای سید حجت‌الله علم‌الهدی که زحمت بازخوانی و ویرایش تخصصی متن را بر عهده داشتند و آقایان دانیال دیانی و امین مددی تقدیر و تشکر نموده و برای آنان از خداوند متعال توفیقات روزافزون را مسألت دارم.

در این مجموعه تلاش شده مبانی و نیز موضوعات مرتبط با آن، به‌صورت تحلیلی و در عین حال با روش علمی و دانشگاهی با رعایت اختصار مطرح شود تا مورد استفاده‌ی جامعه‌ی دانشگاهی قرار گیرد. شایان ذکر است که هر یک از اصول قانون اساسی از ابعاد گوناگون کلامی، فلسفی، اخلاقی، معرفتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوقی، مدیریتی و... قابل بحث و بررسی است؛ اما در این نوشتار تنها به ابعاد کلامی و فقهی آن توجه شده و در بیان سایر ابعاد به اشاره‌ای مختصر بسنده شده است. این مجلد به بررسی مبانی فقهی و کلامی مقدمه‌ی قانون اساسی و بخشی از فصل اصول کلی قانون اساسی (اصول ۱ تا ۷) اختصاص دارد.

عباس کعبی